

## بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار ثبت نام شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی برنامه سوم توسعه

دکتر محمد علی فیض پور\*  
بابک ده موبد\*\*  
هانیه پوش دوزباشی\*\*\*

### چکیده

در مقایسه با سایر بازارهای موجود، شاید بتوان بازار کار را به عنوان مهم‌ترین نوع بازار در ادبیات اقتصادی تلقی کرد. در یک مدل بسیار ساده اقتصادی، عرضه نیروی کار و تقاضای آن، تعیین‌کننده نقطه تعادل در این بازار است. با این وجود، این سؤال همواره مطرح بوده که مردم چگونه کار مورد نظر خود را، پیدا می‌کنند؟ و از طرف دیگر، چگونه ظرفیت‌ها و نیاز بازار کار، و به عبارتی طرف تقاضای آن شناسایی و به جویندگان آن اعلام می‌شود؟ تحقیق حاضر، با هدف بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار استان یزد، طی برنامه سوم توسعه به عنوان بخشی از طرف عرضه نیروی کار، همچنین امکان دستیابی این افراد به شغل در مقایسه با افرادی که فاقد آموزش‌های عالی هستند، طراحی شده است. داده‌ها نیز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده و بر اساس آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که نسبت افراد دست‌یافته به شغل در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار در مقابل افراد فاقد این نوع تحصیلات تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. این موضوع نمایانگر آن است که آموزش‌های عالی موجود نتوانسته است احتمال دستیابی به شغل را افزایش دهد.

**واژگان کلیدی:** فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بیکاران جویای کار، استان یزد، برنامه سوم توسعه، بیکاری

---

\* عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد  
\*\* عضو هیئت علمی گروه مدیریت و حسابداری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی یزد  
\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه یزد (مسئول مکاتبات: [h.poushdouz@gmail.com](mailto:h.poushdouz@gmail.com))

## مقدمه

اگرچه می‌توان سطح آموزش را به عنوان معیاری اساسی برای سطح توسعه‌یافتگی کشورهای جهان تلقی کرد، اما آموزش آنگاه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه باشد که با نیازهای آموزشی مناسب و متناسب توسعه نیز همخوانی و هماهنگی داشته باشد. به عبارتی، آموزش در مسیر توسعه و برای توسعه، آموزشی است که نه تنها هرگونه سرمایه‌گذاری را توجیه می‌کند، بلکه، هم جامعه نیز باید بر این مهم قرار گیرد. شاید سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان آموزشی را تصور کرد که هماهنگ و در مسیر توسعه نباشد؟ مطالعات موجود و شاید بر خلاف انتظار، پاسخ مثبت را به این سؤال رقم می‌زنند و در بسیاری از موارد، به عنوان مثال، نشان می‌دهند که «آموزش بدون توجه به شرایط محیطی می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی به سایر کشورها و همچنین افزایش نرخ بیکاری باشد» (ارمکی، ۱۳۸۳)؛ از این رو، نیازسنجی آموزشی، به‌خصوص با عنایت به پیشرفت و تحولات سریع صنعت و فناوری، چنانچه این عناصر را به عنوان معیارهای لازم توسعه تلقی کنیم، به مطالعه و برنامه‌ریزی‌های گسترده نیازمند است. در این میان، آموزش‌های متناسب با نیاز بازار کار، در شرایطی که این بازار نیز با تحولات سریعی روبه‌روست، یکی از بهترین راه‌هایی است که می‌تواند در جهت حل معضل بیکاری در صدر برنامه‌های توسعه قرار گیرد. این‌گونه آموزش، علاوه بر استفادهٔ بهینه از منابع، تربیت نیروی انسانی متخصص و با قابلیت را نیز در پی خواهد داشت؛ بنابراین، انجام تحقیقات علمی و عملی در خصوص شناخت نیازهای بازار کار، می‌تواند به عنوان گامی در این مسیر تلقی شود و عدم توجه به این موضوع منجر به ناهماهنگی بین عرضه و تقاضای نیروی کار و یا آنچه در ادبیات این حوزه به عدم تعادل‌ها و همخوانی‌های آموزشی<sup>۱</sup> یاد می‌شود، گشته و در نتیجه مشکلات ناشی از بیکاری را در پی خواهد داشت؛ موضوعی که به نظر می‌رسد از سوی متولیان هر دو بخش، بخش آموزش عالی و بخش بازار کار، مورد کم توجهی قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر رقابت گستردهٔ جوانان برای دستیابی به سطوح مختلف آموزش عالی به صورت چشمگیری به چشم می‌خورد و نسبت به سال‌های گذشته به شدت افزایش یافته است. تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها در مقاطع مختلف کاردانی، کارشناسی و مقاطع بالاتر گواه بر این موضوع است. شاید بتوان گفت آینده‌نگری جوانان برای فرار از معضل فراگیر بیکاری، زمینهٔ رقابت برای دستیابی به امتیازاتی که آنان را از سایر افراد متمایز نماید، فراهم کرده است. از این رو، آموزش عالی یکی از ویژگی‌هایی است که در سال‌های اخیر در این زمینه توجه همگان را به خود جلب کرده است.

از سوی دیگر، مراکز مختلف دانشگاهی اعم از دانشگاه‌های آزاد، سراسری، غیرانتفاعی و پیام نور افزایش چشمگیری داشته است. بر این اساس، جدول (۱) تعداد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان کلیه دانشگاه‌ها (مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی) را طی سال‌های برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها طی این دوره بیش از ۵۰ درصد رشد داشته و از ۳۶۳ هزار نفر در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به ۵۶۴ هزار نفر در سال ۸۴-۱۳۸۳ رسیده است. دانشجویان این دانشگاه‌ها نیز طی دوره مذکور با حدود ۳۵ درصد رشد از ۱,۵۶۹ هزار نفر در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به بیش از ۲,۱۱۷ هزار نفر در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ افزایش یافته است. این در حالی است که تعداد دانش‌آموختگان این مراکز با وجود افزایش طی برنامه سوم توسعه نسبت به تعداد پذیرفته‌شدگان و دانشجویان از رشد کمتری برخوردار بوده است. در مجموع نتایج این جدول نمایانگر آن است که آموزش عالی طی این دوره از حیث پذیرفته‌شدگان و دانشجویان از رشدی چشمگیر برخوردار بوده اما تعداد دانش‌آموختگان تنها ۰/۰۸ درصد رشد کرده است.

جدول (۱) پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی طی برنامه سوم توسعه

سال تحصیلی	تعداد پذیرفته‌شدگان	تعداد دانشجویان	دانش‌آموختگان
۸۰-۱۳۷۹	۳۶۳۳۵۱	۱۵۶۹۷۷۶	۳۲۶۴۷۳
۸۱-۱۳۸۰	۳۷۷۸۳۶	۱۵۶۶۵۰۹	۳۳۰۱۹۵
۸۲-۱۳۸۱	۴۰۳۰۱۵	۱۶۳۳۷۵۷	۲۴۸۴۱۷
۸۳-۱۳۸۲	۵۱۹۱۹۴	۱۸۹۲۱۱۹	۳۶۰۸۷۵
۸۴-۱۳۸۳	۵۶۴۱۰۷	۲۱۱۷۴۷۱	۳۵۴۰۷۱

سالنامه‌های آماری کشور و گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۸۳، ۱۳۸۴

مقایسه سرانه دانشجویان به ازای هر هزار نفر جمعیت در استان‌های کشور و با تأکید بر مقایسه این نسبت در استان یزد نسبت به سایر استان‌های کشور و در سال پایانی برنامه سوم توسعه، (سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳) در جدول (۲) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان یزد از حیث تعداد دانشجویان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ در مقایسه با سایر استان‌های کشور و با توجه به جمعیت این استان در سال ۱۳۸۵ بعد از استان سمنان و مرکزی در رتبه سوم قرار گرفته است. این موضوع نیز بدان دلیل است که در طرح آمایش کشور، آموزش عالی در استان یزد به عنوان

۱. از آنجایی که سرشماری جمعیت در کشور هر ۱۰ سال یکبار انجام می‌گیرد و سال ۱۳۷۵ سرشماری دوره قبل به حساب می‌آید، به دلیل اختلاف زیاد با سال‌های برنامه سوم توسعه تنها سرانه دانشجویان استان‌های کشور در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ و با توجه به جمعیت استان‌ها در سال ۱۳۸۵ محاسبه شده است.

یکی از محورهای توسعه این استان قرار گرفته و از این رو، این بخش نیز طی سال‌های برنامه سوم توسعه به صورت سریع در این استان رشد کرده است.

جدول (۲) سرانه دانشجوی به ازای هر هزار نفر جمعیت به تفکیک استان‌های کشور در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳

ردیف	نام استان	تعداد دانشجویان	جمعیت	سرانه
۱	اذربایجان شرقی	۱۰۹۴۷۰	۹۱۱۹۳۰	۱۲
۲	اذربایجان غربی	۵۶۴۷۰	۶۵۵۹۶۱	۸.۶۱
۳	اردبیل	۳۱۳۶۹	۲۸۱۹۰۱	۱۱.۱۳
۴	اصفهان	۱۶۳۶۵۵	۱۲۲۴۷۶۳	۱۳.۳۶
۵	ایلام	۱۶۰۱۴	۱۱۱۵۶۰	۱۴.۳۵
۶	بوشهر	۲۸۰۵۷	۱۹۰۱۵۰	۱۴.۷۶
۷	تهران	۴۳۱۷۴۴	۳۷۳۰۳۹۶	۱۱.۵۷
۸	چهارمحال بختیاری	۲۴۱۶۹	۱۹۴۵۹۴	۱۲.۴۲
۹	خراسان جنوبی	۲۰۴۴۷	۱۴۲۳۹۴	۱۴.۳۶
۱۰	خراسان رضوی	۱۳۶۴۸۵	۱۴۴۵۱۱۶	۹.۴۴
۱۱	خراسان شمالی	۲۱۶۰۷	۱۹۹۸۵۰	۱۰.۸۱
۱۲	خوزستان	۱۰۷۲۵۸	۸۶۶۹۱۴	۱۲.۳۷
۱۳	زنجان	۳۵۶۲۰	۲۳۶۱۱۷	۱۵.۰۹
۱۴	سمنان	۵۲۴۲۸	۱۶۰۰۶۲	۳۲.۷۵
۱۵	سیستان و بلوچستان	۵۰۹۸۶	۴۷۰۰۶۴	۱۰.۸۵
۱۶	فارس	۱۳۲۱۴۴	۱۰۲۲۷۴۶	۱۲.۹۲
۱۷	قزوین	۴۳۲۵۱	۲۹۴۵۳۹	۱۴.۶۸
۱۸	قم	۲۰۹۵۷	۲۶۲۴۷۷	۷.۹۸
۱۹	کردستان	۲۷۳۷۴	۳۳۷۶۸۸	۸.۱۱
۲۰	کرمان	۷۵۶۶۶	۶۱۵۹۳۶	۱۲.۲۸
۲۱	کرمانشاه	۴۲۳۴۷	۴۴۵۸۶۳	۹.۵
۲۲	کهگیلویه و بویر احمد	۲۱۷۰۱	۱۲۶۵۱۴	۱۷.۱۵
۲۳	گلستان	۳۵۵۸۲	۳۸۰۲۴۴	۹.۳۶
۲۴	گیلان	۶۳۵۵۵	۶۶۹۶۹۵	۹.۴۹
۲۵	لرستان	۴۹۸۸۲	۳۸۴۰۹۹	۱۲.۹۹
۲۶	مازندران	۱۱۲۳۸۷	۷۸۳۷۳۷	۱۴.۳۴
۲۷	مرکزی	۸۲۳۲۳	۳۶۴۵۶۴	۲۲.۵۸
۲۸	هرمزگان	۱۸۶۳۶	۳۰۴۵۱۳	۶.۱۲
۲۹	همدان	۴۹۸۶۲	۴۲۸۲۸۹	۱۱.۶۴
۳۰	یزد	۵۶۰۲۵	۲۵۹۰۹۵	۲۱.۶۲
	جمع کل	۲۱۱۷۴۷۱	۱۷۵۰۱۷۷۱	۱۲.۱

سالنامه‌های آماری کشور و استان یزد، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵

تعداد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان کلیه دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های آزاد استان یزد طی سال‌های ۸۴-۱۳۸۰ در جدول (۳) نشان داده شده است. همان‌طور که از این جدول مشخص است، تعداد پذیرفته‌شدگان این مراکز در این دوره بیش از ۳۰ درصد رشد کرده و به بیش از ۱۴ هزار نفر در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ رسیده است. تعداد دانشجویان این مراکز طی دوره مذکور از ۲۷ هزار نفر با رشد چشمگیری به بیش از ۴۶ هزار نفر بالغ شده است. تعداد دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها نیز مانند تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کل کشور با وجود افزایش، نسبت به پذیرفته‌شدگان و دانشجویان از رشد کمتری (تنها حدود ۳۰ درصد) برخوردار بوده است. همان‌طور که گفته شد، علاوه بر روند افزایش پذیرش دانشجو و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز در حال افزایش است. امروزه حتی می‌توان در دورترین مناطق کشور نوعی از مراکز آموزش عالی را، اعم از دانشگاه پیام نور، آزاد اسلامی و یا سایر مراکز آموزش عالی دولتی یا غیر انتفاعی را مشاهده کرد. دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور در شهرستان‌های بافق و طبس (شهرستان‌هایی با ۱۴۰ و ۴۰۰ کیلومتر فاصله از مرکز استان یزد)، مهریز و تفت نمونه‌های بارزی از این نمونه در استان یزد محسوب می‌شوند که به طور عمده طی سال‌های برنامه سوم به بهره‌برداری رسیده‌اند. بر این اساس، پرواضح است که هزینه‌های آموزش عالی نیز در بخش‌های مذکور افزایش قابل توجهی را در سال‌های اخیر تجربه کرده است. با این وجود، سؤالی که در این میان سؤالی اساسی محسوب می‌شود این است که اقتصاد ایران و با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تا چه حد به آموزش‌های انجام‌شده و نیز هزینه‌های صورت‌گرفته در این راستا نیاز دارد؟ و آیا واقعاً با وجود پذیرش رو به رشد دانشجو در دانشگاه‌های مختلف، دستیابی به آموزش‌های عالی همچنان به عنوان امتیاز نسبت به سایر افرادی که به چنین آموزش‌هایی دست نیافته‌اند، محسوب می‌شود؟

اگرچه نمی‌توان به سؤال فوق به صورت مستقیم و صریح و نیز با توجه به جمیع جهات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پاسخ داد، اما از بعد اقتصادی شاید بتوان توانایی جذب این فارغ‌التحصیلان در بازار کار را به عنوان یکی از این معیارها برای پاسخ به بخشی از سؤال فوق در نظر گرفت. چه آنکه بررسی مجدد جذب نیروی کار آموزش‌دیده توسط بازار کار می‌تواند به عنوان مبنای مناسبی در جهت نیازهای آموزشی توسعه در بخش آموزش عالی تلقی شود. این مقاله با هدف پاسخ به این سؤال و از طریق تحلیل توانایی بازار کار در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی برنامه سوم تدوین شده است.

جدول (۳) پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان کلیه دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های آزاد استان یزد طی سال‌های ۸۴-۸۰

سال تحصیلی	تعداد پذیرفته‌شدگان	تعداد دانشجویان	دانش‌آموختگان
۱۳۸۰-۸۱	۱۰۹۶۱	۲۷۰۶۹	۴۷۸۶
۱۳۸۱-۸۲	۱۱۵۲۴	۲۹۹۰۸	۵۹۴۶
۱۳۸۲-۸۳	۱۲۹۸۹	۳۷۰۰۴	۴۸۵۰
۱۳۸۳-۸۴	۱۴۵۶۹	۴۶۰۹۵	۶۲۶۹

سالنامه آماری استان یزد، ۱۳۸۴

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، بخش دوم، به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اهمیت آموزش عالی و نقش آن در دستیابی به شغل و کاهش بیکاری می‌پردازد. در بخش سوم، ابزار جمع‌آوری داده‌ها و روش تحقیق تشریح شده است. بخش چهارم، به یافته‌های پژوهش و جداول مرتبط با آن می‌پردازد. آزمون تمایز نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مقایسه با افرادی که فاقد تحصیلاتی دانشگاهی هستند نیز بخش پنجم این مقاله را تشکیل داده است. در بخش پایانی نیز به بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌پردازد.

### مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده

در زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، مطالعات متعددی انجام شده است. رقابت گسترده جوانان برای دستیابی به آموزش‌های عالی از یک سو، و اهمیت آموزش‌های عالی و نقش این آموزش‌ها در رفع بیکاری از سوی دیگر، ضرورت پژوهش بیشتر در این زمینه را آشکار می‌کند. این بخش، به بررسی برخی مطالعات انجام‌شده در این حوزه در خارج و داخل کشور پرداخته است:

«هرنس»<sup>۱</sup> در تحقیقی با عنوان «رابطه آموزش و بیکاری در جمهوری چک»<sup>۲</sup> به بررسی رابطه آموزش عالی و بیکاری در این کشور می‌پردازد. او به این نکته اشاره دارد که بیکاری بلندمدت در سطوح پایین آموزش عالی بیشتر به چشم می‌خورد. در کشور چک نرخ بیکاری جوانان در رده سنی ۲۴-۱۵ سال سه برابر بیشتر از میانگین نرخ کشورهای اتحادیه اروپاست و راه‌حل سریعی را می‌طلبد. آموزش عالی و افزایش مهارت‌های فنی مرتبط با آن می‌تواند راهکاری برای کاهش بیکاری، افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار و توسعه اقتصاد ملی باشد. دکریوس<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در تطابق با

1. Hronec

2. The Education –Unemployment Relationship in the Slovak Republic

3. Decreuse

الگوهای مشاهده‌شده در کشورهای اروپایی به ارائه یک مدل تطبیقی از بیکاری بلندمدت پرداختند که در آن سیر تکاملی پیشرفت‌های آموزش عالی، بیکاری بلندمدت و دستمزد نامساوی دیده می‌شد. آنان این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند که تغییرات فناوری مبتنی بر مهارت می‌تواند به طور همزمان افزایش در پیشرفت‌های تحصیلی، افزایش بیکاری بلندمدت، افزایش دستمزد نامساوی در داخل گروه‌ها، افزایش کمی در دستمزد نامساوی بین گروه‌های مختلف و افزایش در تعداد کارگران با آموزش بیشتر را ایجاد کند. علاوه بر این، «دکریوس و گرانیر»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲ در مطالعه‌ای به جنبه تئوریک تعامل‌های بین تحصیلات و تغییرات بازار کار می‌پردازند. منظور از تغییرات شغلی در این مدل تعادلی، رابطه بین طول دوره تحصیل و تعداد مشاغلی است که فرد می‌تواند داشته باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش بیکاری و طول دوره آن انگیزه برای تحصیلات عالی را افزایش می‌دهد؛ یعنی تقاضای نیروی کار و تغییرات دستمزد، محرکی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی است. «کاراسیوتو»<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در تحقیقی ابتدا با استفاده از مدل «هم<sup>۳</sup> و آشنفلتر»<sup>۴</sup> تأثیر آموزش عالی را بر درآمدهای سالیانه ارزیابی می‌کند و سپس آن را به دو بخش تأثیر بر دستمزد ماهانه و تأثیر بر عرضه نیروی کار و بیکاری تقسیم می‌کند. تأثیر همیشگی بیشتر بر درآمدهای سالیانه نسبت به دستمزد ماهانه یکی از نتایج این تحقیق است که مؤیدی بر فرضیه‌های ابتدایی آن نیز می‌باشد. این تأثیر بر اشتغال از ارتباط آموزش عالی و عرضه نیروی کار و همچنین ارتباط آموزش عالی و بیکاری که هر دو بر اساس آزمون‌های آماری رابطه معناداری دارند، ناشی شده است. نمونه‌ای که از بین افراد ۳۰ - ۱۸ ساله انتخاب شده است نیز وجود رابطه مستقیم بین آموزش عالی و ضریب اشتغال را تأیید می‌کند. «آجتومبی»<sup>۵</sup> و «آیانوال»<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی روند هزینه‌های آموزش عالی و نقش دانش‌آموختگان آموزش عالی در ارتباط با بیکاری و توسعه اقتصادی در کشور نیجریه در سال‌های ۲۰۰۴ - ۱۹۷۴ می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری دولتی در آموزش عالی بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی است و دولت نمی‌تواند به تناسب بودجه تمایل به آموزش عالی را محدود کند و همچنان تا سال ۲۰۰۴ درصدی از تولید خالص داخلی که هزینه آموزش عالی می‌شود، روندی نزولی دارد؛ به‌رغم این که سرمایه‌گذاری در آموزش عالی با اشتغال ارتباط مستقیم دارد.

1. Granier
2. Karasiotou
3. Ashenfelter
4. Ham
5. Ajetomobi
6. Ayanwale

دیاس<sup>۱</sup> و پسل<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی دیگر به بررسی رابطه بین بیکاری و آموزش عالی در آفریقای جنوبی می‌پردازند و اثبات می‌کنند که رشد اشتغال مانع از محدودیت‌های مهارتی می‌شود. در این مطالعه برای بررسی اینکه تحصیلات بیشتر مانع بیکاری در سال‌های ۲۰۰۳ - ۱۹۹۵ شده و به طور کلی مزایای تحصیلات بالاتر در طی این دوره، از تکنیک رگرسیونی پروبیت استفاده شده است. آنان همچنین نشان دادند که این روندهای تجمعی اختلاف معناداری بین گروه مردان و زنان را نشان نمی‌دهد؛ همچنین افزایش نیروی کار ماهر به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و نیمه ماهر در طی این دوره بوده و بنابراین نرخ بیکاری به‌رغم افزایش فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی رو به افزایش بوده است.

بروآ<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در یکی از جدیدترین مطالعات این حوزه، مدل تناوبی را برای آموزش عالی و بر اساس احتمال موفقیت در بازار کار در ارتباط با سطوح مختلف کیفی پیشنهاد می‌کند. بازده آموزش عالی از داده‌های سرشماری سال ۲۰۰۱ انگلستان برای مناطق مختلف آن به دست آمده است. موفقیت در بازار کار نیز با دو معیار دستیابی به شغل مناسب و شاغل بودن تعریف شده است. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان‌دهنده ارتباط مستقیم و مشهود کیفیت بهتر آموزش عالی با احتمال موفقیت در بازار کار در همه مناطق کشور انگلستان است.

علاوه بر مطالعات صورت‌گرفته در سایر کشورها، در کشور ایران نیز مطالعات بسیاری در ارتباط با آموزش عالی و بیکاری صورت گرفته است. به عنوان نمونه، بختیاری (۱۳۸۲) در تحلیلی از وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی به این نکته تأکید کرده است که افزایش ظرفیت‌های آموزش عالی از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در کلیه استان‌های کشور و از طریق ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی موجب افزایش قابل ملاحظه عرضه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها شده و عدم هماهنگی بین فرصت‌های شغلی موجود در بخش‌های مختلف اقتصاد و به عبارتی کمبود تقاضا، بروز پدیده بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را فراهم ساخته است. اهمیت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری انجام‌شده برای تربیت نیروی انسانی ماهر در کشور و بلااستفاده ماندن آن در فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه وارد ساختن خسارت به اقتصاد ملی از یکسو، همچنین فراهم نبودن زمینه برای محول کردن نقش‌های اجتماعی به افراد فرهیخته برای نیل به اهداف توسعه کشور از سوی دیگر، امکان بروز اعتراض و عکس‌العمل در جامعه را به سبب باسوادی و آگاهی بیشتر فراهم می‌کند. در این پژوهش، ضمن

1. Dias

2. Posel

3. Boroohah



نگاهی به نقش و اهمیت سرمایه انسانی، تحولات جمعیتی کشور، وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، این مسئله مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اسحاقیان (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین آموزش و اشتغال و راه‌های افزایش اشتغال تحصیلکردگان» با نگرش غیرمستقیم، آموزش را عامل توسعه و توسعه را عامل افزایش اشتغال می‌داند. اسحاقیان در این مطالعه، مهم‌ترین رسالت آموزش عالی را در رابطه اشتغال در نگرش غیرمستقیم و توجه به مسئله کارآفرینی در آموزش می‌داند. وی همچنین عمده‌ترین عامل بیکاری تحصیلکردگان را افزایش جمعیت، رکود اقتصادی و رشد فناوری معرفی می‌کند. نظر به اینکه بخش صنعت و کشاورزی از نظر نیروی انسانی به سطح اشباع رسیده است، بهترین فرصت اشتغال‌زایی در بخش خدمات است؛ همچنین ارتقاء جایگاه و گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌تواند عامل ایجاد اشتغال باشد. حیدری عبدی (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی رابطه میان آموزش عالی و بازار کار ژاپن در مقایسه با ایران می‌پردازد. در این مقاله، تلاش می‌شود تا سیاست‌ها و برنامه‌های دولت ژاپن برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از جنگ جهانی دوم به بعد مورد بررسی قرارگیرد. بررسی تدابیر شرکت‌ها و مؤسسات گوناگون ژاپن برای جذب نیروی انسانی متخصص و تمایل دانش‌آموختگان برای اشتغال در زمینه‌های مختلف در ژاپن و ایران از جمله مواردی است که به آنها اشاره می‌شود. در پایان مقاله نیز با توجه به مطالب مطروحه، پیشنهادهایی برای استفاده از تجارب ژاپن برای جذب و نگهداری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در بازار کار ارائه شده است.

علوی راد و مسلمان (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی عالی در بخش عمومی» یکی از مهم‌ترین معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی سرمایه انسانی در سطح بین‌الملل را تحصیلات عالی می‌دانند. با توجه به اینکه بخش عمومی ایران یا ماشین اداری دولت از نظر تراکم سرمایه انسانی در سطح پایینی قرار دارد و این امر باعث ترازنامه منفی کارکنان قوه اجرایی کشور و بهره‌وری اقتصادی بسیار اندک در عرصه بخش عمومی و به مراتب پایین‌تر از سطوح بین‌المللی شده است، در تحلیل این نارسایی یکی از عوامل اساسی، ناکافی بودن نیروی انسانی متخصص یا دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی کشور در بدنه اجرایی بخش عمومی است. به نظر می‌رسد دولت به عنوان متولی اصلی سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی به رغم انجام دو دهه سرمایه‌گذاری‌های روزافزون نتوانسته است از سرمایه انسانی تشکیل‌شده به عنوان یک عامل مکمل در کنار سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی، موجبات ارتقاء بهره‌وری و کارایی بخش‌های مختلف

کشور را فراهم نماید؛ از سوی دیگر، با توجه به خروج و یا بیکار ماندن عده زیادی از فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی در سالیان اخیر، کشور را در آستانه یک فاجعه اقتصادی و اجتماعی می‌دانند.

قانع‌راد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان»، معضل بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان را با کاربرد نظریه توسعه ناموزون آموزش عالی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. این مقاله، با بررسی آمارهای آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر آموزش عالی از حیث کمی به طور شتابانی گسترش یافته است، در حالی که از حیث شاخص‌های توزیع اجتماعی دارای وضعیت نامطلوبی است. الگوی ویژه توسعه آموزش عالی در ایران، با ابداع مفهوم «توده‌ای شدن متراکم آموزش عالی» بیان شده و به عنوان یک الگوی ناموزون توضیح داده می‌شود. توسعه ناموزون نظام دانش به نوبه خود از الگوی ناموزون توسعه کشور تأثیر پذیرفته است. این مقاله، علاوه بر توصیف ویژگی‌های توسعه آموزش عالی و نظام دانش در ایران، تأثیر ویژگی عدم توزیع اجتماعی دانش را در ناتوانی بخش‌های اقتصادی - اجتماعی (به منظور جذب سرمایه‌های انسانی)، تجزیه و تحلیل می‌کند و برای رفع ناموزونی‌های موجود پیوند آموزش عالی با فرایندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور پیشنهاد می‌شود.

آل رسول و آریازند (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و توسعه مهارت‌های نیروی انسانی» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دستیابی به پیشرفت اقتصادی در جوامع امروزی را «توسعه مهارت‌های نیروی انسانی» و به تبع آن «بالا رفتن ظرفیت تولیدی نیروی کار» می‌داند و بنابراین تأثیر سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به عنوان متولی و نظام هماهنگ‌کننده مهارت‌آموزی در برآوردن این مهم قابل انکار نیست اما میزان بازدهی سرمایه‌گذاری در این بخش به دلایل گوناگون تاکنون مطلوب نبوده است. از جمله این علل، می‌توان به فقدان طرح جامع و مدیریت هماهنگ برای برآورد تقاضای اجتماعی و ظرفیت جذب نیروی متخصص، وابستگی شدید بودجه‌های تحقیقاتی به دولت و رشد نامتوازن آموزش عالی اشاره کرد. هم‌چنین این مقاله به جست و جوی راه‌های افزایش بهره‌وری در این بخش و به تبع آن «بهبود کیفیت نیروی کار» می‌پردازد.

قارون در سال ۱۳۸۶ در مطالعه‌ای با عنوان «نظام آموزش متوسطه، بیکاری جوانان و چالش‌های پاسخگو به تقاضای آموزش عالی»، روند فزاینده بیکاری جوانان را یکی از چالش‌های مهم پیش روی اکثر کشورهای جهان از جمله ایران در دهه آتی می‌داند که این روند به دنبال خود چالش‌هایی را برای بخش‌های آموزشی کشور به وجود آورده است. بخش آموزش عالی با چالش پاسخگویی به تقاضای فزاینده مواجه است که قسمت مهمی از آن برای فرار از بیکاری سطوح پایین‌تر است؛ بنابراین، الگوهای

هدایت افراد به سمت مشاغل، نقش کلیدی و محوری در رفع این چالش‌ها دارد و اصلاح این روند سطوح قبل از دانشگاه را بسیار ضروری می‌داند. اصلاح الگوهای ارتباطی بین نظام آموزش و بازار کار و فرایندهای انتقال نیروی کار به بازار کار به ویژه در سطح آموزش متوسطه، باید مبنای بسیاری از سیاست‌گذاری‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در این سطح و نیز آموزش‌های پس از متوسطه قرار گیرد. در مجموع مطالعات انجام‌شده به‌رغم تأیید اهمیت آموزش‌های عالی و تأثیر مستقیم آن بر کاهش بیکاری، بیانگر افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سال‌های اخیر است. رشد جمعیت، رشد نامتوازن آموزش‌های عالی و عدم تناسب نیازهای بازار کار و آموزش‌های انجام‌شده نیز از دلایل این امر به شمار می‌رود؛ بنابراین، بازشناسی بازار کار در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی رشته‌های مختلف در مقایسه با دستیابی سایر افراد به شغل از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چه بسا این شناخت بتواند تا حدی در هدایت آموزش‌های عالی به سوی نیازهای بازار کار و تأثیر آن بر کاهش بیکاری مؤثر واقع شود.

### ابزار جمع‌آوری داده‌ها و روش تحقیق

صحت نتایج به دست آمده از هر تحقیق و میزان اعتماد به آن به خصوص در حوزه اقتصاد و علوم انسانی به داده‌هایی که مبنای شکل‌گیری آن تحقیق است، بستگی دارد. بر این اساس، دقت در جمع‌آوری، تنظیم داده‌ها و استخراج اطلاعات مورد نیاز هر تحقیق از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا، و از آنجایی که بیکاری یکی از معضلات اساسی جوامع امروز است، این تحقیق به بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان جویای کار استان یزد و مقایسه دستیابی این افراد به شغل در مقایسه با سایر افرادی که فاقد آموزش‌های عالی هستند، می‌پردازد.

در راستای تحقق اهداف این طرح به اطلاعاتی نیاز بود که برای دستیابی به آنها به اداره کار و امور اجتماعی استان مراجعه شد. متقاضیان ثبت نام به عنوان بیکار جویای کار باید پرسشنامه‌ای را تکمیل کنند که از داده‌های این پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل استفاده شده است. متقاضیان می‌توانند فرم پرسشنامه را از طریق اداره پست یا از طریق مراجعه مستقیم به اداره کار و امور اجتماعی استان - بخش اشتغال - تهیه کنند. این فرم‌ها از سوی تحلیل‌گر آمار و اطلاعات بخش اشتغال کدگذاری و ثبت می‌شود. پرسشنامه مذکور در پنج بخش طراحی شده است. بخش‌های اول تا سوم که در این پژوهش بیشتر مدنظر است، مشخصات متقاضی شغل، آخرین مدرک تحصیلی و میزان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای او را نشان می‌دهد و بخش چهارم به پیشنهاد متقاضی برای پذیرش شغل می‌پردازد. ناقص بودن و عدم همخوانی آمار موجود و نیاز به بازنگری آنها جهت تحلیل در نرم‌افزارهای آماری، دشواری دسترسی به آمار

بیکاران جویای کار شهرستان طبس - که به تازگی به استان یزد پیوسته است - همچنین بُعد مسافت شهرستان‌های استان، از محدودیت‌های این پژوهش است؛ با این وجود، کلیه ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکار جویای کار در ادارات کار و امور اجتماعی شهرستان‌های استان یزد طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۱، جامعه آماری اولیه این پژوهش را تشکیل داده و سپس از میان بیکاران جویای کار ثبت‌نام‌شده طی برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) به عنوان جامعه ثانویه، نمونه مورد مطالعه استخراج شده است. در این مقاله، وضعیت این نمونه، از منظر متغیرهای مختلف و با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### یافته‌ها و جداول

بررسی ویژگی‌های جامعه آماری بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه سوم توسعه ثبت‌نام بیکاران جویای کار استان برای اولین بار از سال ۱۳۷۱ در اداره کار و امور اجتماعی صورت گرفته و تا پایان سال ۱۳۸۳ در مجموع ۱۰۰۰۱۱ نفر در این مراکز ثبت‌نام کرده‌اند. در سال‌های ۸۳-۱۳۸۱ افزایش قابل ملاحظه‌ای در تعداد و درصد ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکاران جویای کار استان به چشم می‌خورد و بیش از ۵۸ درصد از افراد جویای کار تنها طی این سه سال ثبت‌نام کرده‌اند. در این میان، سال ۱۳۸۱ با در بر داشتن ۲۷ درصد از کل ثبت‌نام‌شدگان جویای کار طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۱ بیشترین تعداد را دارا بوده است. جدول (۴)، روند ثبت نام بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه پنج ساله سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)، به عنوان جامعه آماری نهایی این مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، حدود ۴۰ درصد از ثبت‌نام‌شدگان تنها در سال ۱۳۸۱ به عنوان بیکار جویای کار ثبت نام کرده‌اند. به طور کلی تنها حدود ۱۶ درصد (۱۰۷۷۳ نفر) دارای تحصیلات دانشگاهی هستند؛ گروهی که دستیابی آنها به شغل با توجه به دارا بودن امتیاز برخوردار از آموزش عالی در مقایسه با سایر افراد، هدف اصلی این مطالعه قرار گرفته است. بر این اساس، در ادامه این بخش به برخی از ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار اشاره می‌شود.

جدول (۴) روند ثبت نام بیکاران جویای کار در استان یزد (جامعه آماری) طی برنامه سوم توسعه

سال	تعداد	درصد
۷۹	۴۲۲۲	۶/۲
۸۰	۵۵۱۵	۸/۱
۸۱	۲۷۱۰۹	۳۹/۸
۸۲	۱۸۲۵۰	۲۶/۸
۸۳	۱۳۰۰۰	۱۹/۱
جمع	۶۸۰۹۶	۱۰۰/۰

یافته‌های پژوهشگر

در میان مجموع بیکاران ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی برنامه سوم توسعه، بیکاران دارای مدرک کارشناسی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در میان بیکاران جویای کار مقاطع مختلف آموزش عالی نیز، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مقطع لیسانس با بیش از ۶۰ درصد، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. مقاطع فوق لیسانس و دکترا از این لحاظ در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته‌اند. سن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار نیز به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های این گروه در نظر گرفته شده است. گروه سنی ۲۹-۲۰ سال بیشترین درصد بیکاران دانشگاهی جویای کار را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، با افزایش سن در گروه‌های مختلف سنی، روند فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان رو به کاهش است. شاید بتوان گفت افزایش سن افراد توقع آنان را برای شغل مورد نظر کاهش داده و موجب دستیابی آنان به شغل شده است. علاوه بر این، در میان شهرستان‌های استان یزد، شهرستان یزد با حدود ۶۱ درصد بیشترین درصد فارغ‌التحصیلان ثبت‌نام‌شده به عنوان بیکار جویای کار را به خود اختصاص داده است.

#### نحوه تعیین نمونه آماری از بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه سوم توسعه و بررسی ویژگی‌های آن

برای انجام این مطالعه نیاز به انتخاب نمونه آماری از جامعه نهایی مورد بحث است؛ بنابراین، نمونه انتخابی از مجموعه بیکاران جویای کار طی برنامه سوم توسعه (۶۸۰۹۶ نفر) انتخاب شده است. بر این اساس، از میان جامعه آماری نهایی به طور تصادفی نمونه‌ای به حجم ۴۲۶ نفر انتخاب و داده‌های مورد نیاز با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری شد. با پذیرش خطای ۴ درصدی و سطح اطمینان ۹۰ درصد، حجم نمونه مورد نیاز معادل ۴۲۰ برآورد شده و برای رعایت نسبت در شهرستان‌های استان، عملاً ۴۲۶ پرسشنامه تکمیل شده است. توزیع این نمونه به تفکیک سطح تحصیلات و با در نظر گرفتن معیار تحصیلات دانشگاهی و غیردانشگاهی که مبنای مقایسه این مطالعه محسوب می‌شود، در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول (۵) توزیع نمونه انتخابی بیکاران جویای کار ثبت نام شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد به تفکیک سطح تحصیلات: ۸۳-۱۳۷۹

سطح تحصیلات		تعداد	درصد
تحصیلات غیردانشگاهی	بی سواد	۲	۰/۵
	کمتر از دیپلم	۱۳۰	۳۰/۵
	دیپلم	۱۷۴	۴۰/۸
جمع		۳۰۶	۷۱/۸
تحصیلات دانشگاهی	فوق دیپلم	۵۳	۱۲/۴
	لیسانس	۵۸	۱۳/۶
	فوق لیسانس و بالاتر	۴	۱/۰
	جمع	۱۱۵	۲۷/۰
اظهار نشده		۵	۱/۲
جمع کل		۴۲۶	۱۰۰

یافته‌های پژوهشگر

در میان بیکاران جویای کاری که نمونه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهند، ۱۱۵ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. این تعداد تنها ۲۷ درصد از کل نمونه انتخابی را در بر گرفته‌اند. این در حالی است که حدود ۷۲ درصد از بیکاران جویای کاری که به عنوان نمونه انتخابی مورد سؤال قرار گرفته‌اند آموزش‌های عالی را تجربه نکرده‌اند. از میان ۴۲۶ پرسشنامه تکمیل شده، ۵ نفر نیز سطح تحصیلات خود را مشخص نکرده و بنابراین از این دو گروه کنار گذاشته شده‌اند. بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار نمونه انتخابی به نتایجی مشابه ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان ثبت نام شده دانشگاهی در جامعه آماری منجر شده و خود گواهی برای صحت نمونه انتخاب شده است. همان‌طور که جدول (۶) نشان می‌دهد، در نمونه انتخابی نیز مانند جامعه آماری، فارغ‌التحصیلان با مدرک کارشناسی، بیشترین درصد را نسبت به سایر مدارک تحصیلی به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۶) فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار نمونه انتخابی به تفکیک سطح تحصیلات طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۹

سطح تحصیلات		تعداد	درصد
فوق دیپلم		۵۳	۴۶/۱
لیسانس		۵۸	۵۰/۴
فوق لیسانس و بالاتر		۴	۳/۵
تعداد کل		۱۱۵	۱۰۰/۰

یافته‌های پژوهشگر

گروه سنی ۲۹-۲۰ سال نیز بیشترین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار را در خود جای داده است. در نمونه انتخابی این مطالعه، بیش از ۷۸ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در گروه سنی ۲۹-۲۰ سال جویای کار هستند (جدول ۷). علاوه بر موارد فوق، در نمونه انتخابی نیز مانند جامعه آماری بیشترین درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار در شهرستان یزد ثبت‌نام شده‌اند (۵۰ درصد) و پس از یزد، شهرستان اردکان با ۱۳ درصد و میبد با حدود ۸ درصد قرار دارند.

جدول (۷) فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار در نمونه انتخابی به تفکیک سن طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۹

درصد	تعداد	سن
۷۸/۳	۹۰	سال ۲۰-۲۹
۱۱/۳	۱۳	سال ۳۰-۳۹
۰/۹	۱	سال ۴۰-۴۹
۹/۶	۱۱	اظهار نشده
۱۰۰	۱۱۵	تعداد کل

یافته‌های پژوهشگر

آزمون تمایز نسبت اشتغال در میان افراد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و سایر افراد علاوه بر بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان جویای کار ثبت نام شده در ادارت کار و امور اجتماعی استان یزد که در قسمت‌های قبل این مطالعه بدان پرداخته شد، مقایسه دستیابی این افراد به شغل در مقابل سایر افرادی که فاقد آموزش‌های عالی هستند، از دیگر اهداف اصلی مورد نظر این پژوهش است. بر این اساس، این بخش به آزمون نسبت افراد شاغل در گروهی که به تحصیلات دانشگاهی دست یافته‌اند، در مقابل افرادی که فاقد این نوع آموزش‌ها هستند، پرداخته است. همان‌طور که گفته شد از میان ۴۲۶ پرسشنامه تکمیل شده ۵ نفر به دلیل عدم اظهار میزان تحصیلات خویش و ۴۲ نفر به دلیل داشتن وضعیتی که آنها را جزء گروه غیر فعال قرار داده است از داده‌ها کنار گذاشته و مجموع افراد مورد بررسی به ۳۷۹ نفر تقلیل یافته است. نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که نسبت افرادی که پس از ثبت‌نام در ادارات کار و امور اجتماعی استان به شغل دست یافته‌اند، در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و افرادی که چنین آموزش‌هایی را تجربه نکرده‌اند تقریباً یکسان است (۵۶/۹ درصد در گروه فاقد تحصیلات دانشگاهی و ۵۷/۳ درصد در گروه با تحصیلات دانشگاهی به شغل دست یافته‌اند). برای مقایسه این نسبت‌ها و اینکه آیا داشتن تحصیلات دانشگاهی در یافتن شغل آنها تأثیر معنی‌داری دارد یا نه از آزمون فرض مقایسه نسبت در دو جامعه آماری

استفاده شده است<sup>۱</sup>. فرضیه صفر و فرضیه مقابل آن نیز به صورت زیر تعریف می‌شود: که در آن  $P_1$  نسبت افراد شاغل در گروه با تحصیلات دانشگاهی و  $P_2$  این نسبت را در گروهی که به این نوع آموزش‌ها دست نیافته‌اند، نشان می‌دهد. فرضیه  $H_0$  تساوی نسبت شاغلان را در دستیابی به شغل در میان دو گروه مورد بررسی قرار داده و فرضیه  $H_1$  بر این مبنا قرار گرفته که نسبت افرادی که به شغل دست یافته‌اند در میان افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند، در مقایسه با این نسبت در میان افرادی که فاقد این نوع تحصیلات‌اند بیشتر است؛ به عبارت دیگر، بر اساس فرضیه  $H_1$  تحصیلات دانشگاهی به عنوان یک امتیاز قلمداد می‌شود و امکان دستیابی به شغل را افزایش می‌دهد.

$$H_0: P_1 = P_2$$

$$H_1: P_1 > P_2$$

جدول (۸) توزیع نمونه انتخابی بیکاران جویای کار ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور

اجتماعی استان یزد به تفکیک شاغل و بیکار: ۱۳۷۹-۸۳

وضعیت فعالیت	تحصیلات غیردانشگاهی		تحصیلات دانشگاهی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شاغل	۱۶۵	۵۶/۹	۵۱	۵۷/۳	۲۱۶	۵۷
بیکار	۱۲۵	۴۳/۱	۳۸	۴۲/۷	۱۶۳	۴۳
جمع کل	۲۹۰	۱۰۰	۸۹	۱۰۰	۳۷۹	۱۰۰

یافته‌های پژوهشگر

اگر نسبت دستیابی به شغل در میان ثبت‌نام شدگان به عنوان بیکاران جویای کار، نسبت موفقیت در جامعه  $(P)$  تعریف شود، از آنجایی که کمیت  $P$  در این مطالعه مجهول است، آن را از نمونه برآورد کرده و بر اساس رابطه (۱) انحراف معیار متغیر تصادفی  $\bar{p}_1 - \bar{p}_2$  به دست می‌آید:

$$\bar{p} = \frac{X_1 + X_2}{n_1 + n_2}$$

$$S_{\bar{p}_1 - \bar{p}_2} = \sqrt{pq \left( \frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2} \right)} \quad (1)$$

بنابراین، بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول (۸) برآورد نسبت مشترک دو نمونه به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\bar{q} = 1 - 0/57 = 0/43 \quad \Rightarrow \quad \bar{p} = \frac{165 + 51}{290 + 89} = 0/57$$

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: رنجبران، ۱۳۸۳



از آنجایی که آمارهٔ آزمون دارای توزیع نرمال استاندارد است (تعداد افراد نمونه در هر دو گروه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و غیردانشگاهی از ۳۰ نفر بیشتر است)، کمیت آمارهٔ آزمون به صورت زیر به دست می‌آید:

$$Z = \frac{(\bar{p}_1 - \bar{p}_2) - (p_1 - p_2)}{\sqrt{pq\left(\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}\right)}} = \frac{\left(\frac{165}{290} - \frac{51}{89}\right) - 0}{\sqrt{(0.57 \times 0.43)\left(\frac{1}{290} + \frac{1}{89}\right)}} = .$$

نتیجهٔ به دست آمده از این آزمون، فرضیه H<sub>0</sub> را در ناحیهٔ عدم رد قرار داده و بنابراین برخلاف انتظار، در سطوح اطمینان ۹۰، ۹۵ و ۹۹ درصد این فرضیه قبول می‌شود؛ به عبارت دیگر، نسبت دستیابی به شغل در میان افراد با تحصیلات دانشگاهی و افراد فاقد این تحصیلات تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد و بر این اساس در میان بیکاران جویای کار ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه، دستیابی به تحصیلات دانشگاهی را نمی‌توان به عنوان امتیازی برای یافتن شغل تلقی کرد.

### بحث و تبیین نتایج

در این مطالعه، به دلیل وجود بیکاری به عنوان یکی از معضلات اساسی جامعه از یک طرف و افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و همچنین اهمیت آموزش‌های عالی در رفع و یا کاهش بیکاری به بررسی ویژگی‌های فارغ‌التحصیلان جویای کار ثبت‌نام‌شده در ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه پرداخته شده است. علاوه بر این، دستیابی به شغل در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. با همهٔ مشکلاتی که در مراحل مختلف انجام این پژوهش مانند دستیابی به فایل داده‌های مورد نیاز به تفکیک شهرستان‌ها و عدم وجود اطلاعات لازم برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده اولیه وجود داشت، داده‌های موجود زمینهٔ بررسی و تحلیل نتایج ارزشمندی را در اختیار علاقه‌مندان به این موضوع قرار داده است. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۱۶ درصد از ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکاران جویای کار استان طی سال‌های برنامهٔ سوم توسعه، دارای تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری) بوده‌اند (۱۰۷۷۳ نفر از مجموع ۶۸۰۹۶ نفر)؛ علاوه بر این بیش از ۸۴ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه بین ۲۹-۲۰ سال سن دارند که این با تحقیقی که هرنس در جمهوری چک انجام داده است،

همخوانی دارد؛ همچنین در تحقیق کاراسیتو<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نیز در نمونه‌ای که از بین افراد ۳۰-۱۸ ساله انتخاب شده است نیز وجود رابطه مستقیم بین آموزش عالی و ضریب اشتغال را تأیید می‌کند. حدود ۶۲ درصد افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده و ۶۱ درصد نیز تنها در شهرستان یزد متمرکز شده‌اند. در مجموع نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که نسبت افراد شاغل در میان گروهی که به تحصیلات دانشگاهی دست یافته‌اند، در مقابل افراد فاقد این نوع تحصیلات تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد<sup>۲</sup> که این موضوع با نتایج اکثر تحقیقات انجام‌شده همانند تحقیقاتی که در کشورهای اروپایی در مقایسه با انگلستان، جمهوری چک و همچنین پژوهشی که در یک کشور آفریقایی همانند نیجریه انجام شده است، کاملاً همخوانی دارد. نتیجه تحقیقاتی که در ایران انجام شده است که در بخش پیشینه تحقیق به طور مفصل بدان پرداختیم نیز این موضوع را تأیید می‌کند. مقایسه‌ای تطبیقی بین آموزش عالی و بازار کار در ایران و ژاپن نیز از سوی حیدری عبدی (۱۳۸۲) به انجام رسیده است که پیشنهاداتی را البته در سطح کلان جهت رفع مشکلات فارغ‌التحصیلان بیان می‌دارد. این نیز می‌تواند به عنوان عدم تناسب آموزش‌های عالی موجود با نیاز بازار کار تفسیر شود؛ چرا که این تحصیلات نتوانسته است به نحو بارز و معنی‌داری دستیابی به شغل را در میان جویندگان شغل با تحصیلات عالی افزایش دهد. تنها نتایج تحقیقی که در سال ۲۰۰۶ در کشور آفریقای جنوبی توسط دیاس و پسل<sup>۳</sup> انجام شده است نتایجی همانند پژوهش حاضر را به دست داده است که همچنین رشد اشتغال را مانع از محدودیت‌های مهارتی می‌داند.

### پیشنهادها

به طور کلی می‌توان علت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار را در یک دید کلان در بین خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جست و جو کرد. خرده نظام اقتصادی به دلایل مختلف در افزایش رشد اقتصادی متناسب جامعه و ارائه فرصت‌های شغلی ناتوان بوده و خرده نظام فرهنگی نیز با سازواره آموزش عالی

#### 1. Karasiotou

۱. اگرچه ممکن است بین نرخ بیکاری کل کشور و نرخ بیکاری دانش‌آموختگان تفاوت مشاهده شود (همان‌گونه که در آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ نرخ بیکاری کل کشور ۱۲ درصد و نرخ بیکاری دانش‌آموختگان ۱۰ درصد است)، اما این تفاوت الزاماً معنی‌دار نیست. علاوه بر این، اگرچه ممکن است در کل کشور تفاوت مشاهده شده معنی‌دار نیز باشد، اما می‌تواند در استانی مانند استان یزد به عنوان بخش کوچکی از کل جامعه این تفاوت معنی‌دار نباشد؛ چرا که جمعیت استان یزد در مقایسه با جمعیت کل کشور و بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۹۹۰۸۱۸ نفر است که این جمعیت کمتر از  $\frac{۱}{۱۰}$  کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد.

#### 3. Dias & Posel

از یکسو در تربیت فارغ‌التحصیلان اندیشه‌ورز و کارآفرین و از سوی دیگر، در تربیت نیروی انسانی لازم برای بدنه کارشناسی کشور به طور نامتناسب عمل کرده است. نظام سیاسی کشور نیز با سیاست‌های ناکارآمد کنترل موالید و عدم قدرت لازم برای بسترسازی و افزایش تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری و بالاخره نظام اجتماعی نیز قدرت تواناسازی تنظیم ساختاری خرده نظام‌ها را برای انسجام از طریق رفتارها و باورداشت‌ها و کنش ابزاری متناسب با روحیه کاری و اشتغال را نداشته و در مجموع موجبات افزایش پدیده بیکاری فارغ‌التحصیلان را فراهم ساخته‌اند (حاجی خیاط، ۱۳۸۲)؛ همچنین می‌توان علت بیکاری فارغ‌التحصیلان را رشد بی رویه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در استان‌های کشور و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی و عدم تناسب با فرصت‌های شغلی موجود و به عبارتی کمبود تقاضا دانست. فقدان طرح جامع و مدیریت هماهنگ برای برآورد تقاضای اجتماعی و ظرفیت جذب نیروی متخصص و نظام استخدامی نامناسب، قوانین نامناسب در مورد کار و بیمه می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد. به نظر می‌رسد، علاوه بر دلایلی که به طور عمده در سطح کلان و بعضاً به صورت خرد بیان شد، عدم کیفیت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و عدم تناسب آموزش‌ها با نیازهای بازار کار می‌تواند از دلایل عمده مشکل بیکاری این دسته افراد تلقی شود. عرضه نیروی کار تحصیلکرده و دانشگاهی عموماً در اختیار دولت است (به جز دانشگاه آزاد که آن هم ساختاری نیمه‌دولتی دارد) و در اکثر موارد، رقابت چندانی در بین دانشگاه‌ها و همچنین دانشجویان وجود ندارد؛ در نتیجه شرایط انگیزشی لازم برای بهتر درس خواندن در محیط‌های علمی ما فراهم نمی‌آید. به علاوه اگر برخی از دانشجویان علاقه‌مند و خواستار آن باشند که کیفیت تحصیل خود را ارتقاء بخشند، فضای اغلب دانشگاه‌ها شرایط مناسب برای این امر ندارد. در طرف تقاضا شرایط بدتر است؛ زیرا اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها قاعدتاً باید جذب سازمان‌های وابسته به دولت شوند؛ ولی بر طبق سیاست‌گذاری‌ها، دولت و سازمان‌ها و بنگاه‌های دولتی در حال کوچک شدن هستند و اگر استخدامی داشته باشند، در بیشتر مواقع کیفیت تحصیل اهمیت زیادی ندارد و بیشتر ماهیت روابط است که امکان اشتغال را به وجود می‌آورد. به علاوه شرایط استخدام به ترتیبی است که کیفیت تحصیل تأثیری بر میزان حقوق و مزایای افراد ندارد؛ به عبارت دیگر، اگر به هر طریقی بتوان در یک سازمان دولتی استخدام شد، فرق معنی‌داری نمی‌کند که دانش‌آموخته شده در چه سطحی باشد. بخش دیگری که امکان جذب دانش‌آموختگان را فراهم می‌آورد، بخش خصوصی است که البته سهم آن نسبت به بخش دولتی کمتر است؛ زیرا از یک طرف، درصد بسیار کمتری از کل اقتصاد در اختیار این بخش است و از طرف دیگر، از آنجا که بنگاه‌ها عموماً در محیط رقابتی کار نمی‌کنند، آن چنان که انتظار می‌رود، تقاضای نیروی انسانی تحصیلکرده نیستند؛ دلیل این امر آن است که بخش خصوصی نمی‌تواند با جذب نیروی انسانی بهتر

موجب افزایش کارایی در محیط کار و در نتیجه افزایش درآمد بنگاه شود؛ زیرا فضای کسب و کار در کشور انگیزه برای رشد بهره‌وری را فراهم نمی‌آورد. از سوی دیگر، دانشجویان عموماً در دانشگاه‌ها موضوعاتی را فرا می‌گیرند که با نیازهای اجرایی محیط کسب و کار انطباق چندانی ندارد و بنابراین بخش خصوصی ترجیح می‌دهد فردی با تحصیلات دیپلم یا حداکثر لیسانس را استخدام و در نتیجه حقوق کمتری را پرداخت کند. (ترکیب مدارج تحصیلی نیروی کار در اکثر بنگاه‌های کشور مؤید این امر است). دلیل دیگر برای میزان بالای بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان، سطح انتظارات است. آنان دیگر حاضر نیستند با حقوق پایین مشغول به کار شوند یا هنگامی که کارهای پیشنهادی به میزان کافی با سطح تحصیل‌شان انطباق ندارد، دلیلی نمی‌بینند که آن را بپذیرند. فقدان رقابت در بازار کسب و کار همچنین می‌تواند عاملی مؤثر در این زمینه باشد؛ زیرا وقتی بنگاه‌ها مجبور به رقابت در داخل کشور و یا در سطح بین‌المللی نباشند، به دانش اقتصادی برای بهبود کیفیت و کاهش هزینه‌ها به منظور بهینه‌سازی فرایند تولید نیاز ندارند. برای آنها این امکان وجود دارد که در بازارهای داخلی هر کالا یا خدمتی را که تولید می‌کنند به فروش برسانند و مثالی که عموماً ارائه می‌شود، صنعت خودروسازی است. با توجه به جمیع جهات بیان‌شده می‌توان برای رفع ناموزونی‌های موجود در سطح کلان پیوند آموزش عالی با فرایندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور را پیشنهاد داد. افزایش مهارت‌های فنی مرتبط با آموزش عالی می‌تواند راهکاری برای کاهش بیکاری، افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار و توسعه اقتصاد ملی باشد؛ همچنین توجه به توان بالقوه‌ای که برای کارآفرینی در بخش خدمات می‌تواند وجود داشته باشد، چرا که بخش صنعت و کشاورزی از نظر نیروی انسانی به سطح اشباع رسیده است می‌تواند کارساز باشد. اصلاح الگوهای ارتباطی بین نظام آموزش و بازار کار و فرایندهای انتقال نیروی کار به بازار کار به ویژه در سطح آموزش متوسطه، باید مبنای بسیاری از سیاست‌گذاری‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در این سطح و نیز آموزش‌های پس از متوسطه قرار گیرد. در این راستا، ارتقاء جایگاه و گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌تواند عامل ایجاد اشتغال باشد که در این زمینه در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی صورت گرفته است؛ همچنین تأسیس دانشگاه‌های علمی - کاربردی گامی به سوی نزدیک کردن محیط‌های آموزشی و مؤسسات مولد اشتغال است که در این رابطه ترکیب ۷۰ درصد دانشجوی شاغل و ۳۰ درصد داوطلب آزاد می‌تواند مؤثر واقع شود. در نهایت، این مطالعه پیشنهاد می‌کند که بر اساس دیدگاه مدیریت کیفیت جامع باید در برنامه‌ریزی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان و اجراء به سه سطح خرد، کلان و فراکلان توجه شود. شناسایی آموزش‌های متناسب با نیازهای بازار کار، به خصوص با توجه به تمایزات مناطق ایران، عمده‌ترین پیشنهاد مشخص این پژوهش در راستای همسوسازی نیاز بازار کار با سطوح آموزش عالی کشور است.

## منابع

- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی (۱۳۸۱). گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی (۱۳۸۲). گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی (۱۳۸۳). گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی (۱۳۸۴). گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). آموزش فنی و حرفه‌ای و تغییرات اجتماعی. مجموعه مقالات اولین همایش نقش آموزش‌های فنی حرفه‌ای در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران.
- اسحاقیان، مهدی (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین آموزش و اشتغال و راه‌های افزایش اشتغال تحصیلکردگان. خلاصه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران.
- آل رسول، سهیل و آریازند، امیر (۱۳۸۴). بازتاب سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و توسعه مهارت‌های نیروی انسانی. فصلنامه علمی راهبردی زیرساخت، شماره ۲.
- حاجی خیاط، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی. خلاصه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران.
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۸۲). بررسی رابطه میان آموزش عالی و بازار کار در ژاپن. خلاصه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران.
- رنجبران، هادی (۱۳۸۳). آمار و احتمال. تهران: نشر کتاب دانشگاهی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد (۱۳۸۳). سالنامه آماری استان یزد.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد (۱۳۸۴). سالنامه آماری استان یزد.
- علوی راد، عباس و مسلمان، طاهره (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی عالی در بخش عمومی. خلاصه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران.
- فیض‌پور، محمد علی و مکیان، سید نظام الدین (۱۳۸۵). کالبد شکافی بیکاری در استان یزد: بیم‌ها و امیدها. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- قارون، معصومه (۱۳۸۱). نظام آموزش متوسطه، بیکاری جوانان و چالش‌های پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی. نامه آموزش عالی، شماره ۷.

قانعی راد، محمدمبین (۱۳۸۳). توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش آموختگان و مهاجرت نخبگان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، نشریه ۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳). سالنامه آماری کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. مرکز آمار ایران (۱۳۸۴). سالنامه آماری کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

- Ajetomobi, J. O. & Ayanwale, A. B. (2006). Education allocation, unemployment and economy growth in Nigeria: 1970–2004. *Journal of Career Development*, 33(125), pp 35-49.
- Borooah, Vani K. (2007). *Education, occupational class, and unemployment in the regions of the United Kingdom*. University of Ulster, Education Economics January.
- Decreuse, B. & Granierz, P. (2002). *A theory of education, unemployment and job mobility*. CNRS-Eurequa Greqam, january.
- Decreuse, B. (2003). *Over-education and long-term unemployment*. Greqam, University de laM-editerran, PAI Conference.
- Dias, R. & Posel, D. (2007). *Unemployment, Education and Skills constraints in post-apartheid south Africa*. Economics, University of Kwazulu-Natal, Working Paper Series by the Development Policy Research Unit, pp: 1-38.
- Hronec, M; (2007). The Education–unemployment relationship in the Slovak Republic: An Analysis with Special Regard to Economic Education. *The Educational Review*, Vol. 11, No. 1, pp 85-102.
- Karasiotou, P. (2003). *Education, unemployment and earnings: Decomposing the returns to education*. PAI Conference, KU Leuven.